

Attitudes toward the 12-Day War and the Cultural-Social Resilience of Iranians in the Face of Israeli Aggression

Ali Bagheri Dolatabadi^{✉1}

Ali Karampour[†]

Abstract

A prominent feature of the 12-Day War was the cultural-social resilience demonstrated by Iranians in response to Israeli aggression against Iran. Throughout the conflict, a distinct manifestation of social cohesion and national unity emerged among Iranians, centered around the concepts of homeland and Islam. The central research question of this study is: What were the attitudes of Iranians toward the 12-Day War, and what role did cultural-social components play in fostering resilience against the Israeli assault? The article hypothesizes that the Iranian populace perceived the 12-Day War as an attack on Iran's independence and territorial integrity and, due to shared cultural-religious elements and a strong spirit of patriotism, displayed a significant degree of cultural-social resilience. Research data were collected through library and internet-based methods and analyzed using a descriptive-analytical approach within the theoretical framework of Émile Durkheim. The findings indicate that Iranians considered their country the victor of the war and advocated for the preservation of missile programs to ensure national security. While demonstrating resilience in the face of conflict, they also acted to strengthen national cohesion within the digital sphere. In accordance with Durkheim's theoretical perspectives, within Iranian society, components such as the conscience collective (collective consciousness), social similarities, religion and tradition, simple social structures, and holism have contributed to social cohesion.

Keywords: National Cohesion, 12-Day War, Israel, Iran, Resilience.

[✉]Professor of International Relations, Political Science Department, Faculty of Humanities, Yasouj University, Yasuj, Iran.

(Corresponding Author).

Email: abagheri@yu.ac.ir

[†]M.A Student, World Studies Faculty, Tehran University, Tehran, Iran.

Email: Karampour.ali@ut.ac.ir

نگرش به جنگ ۱۲ روزه و تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی ایرانیان در برابر تهاجم اسرائیل

علی باقری دولت‌آبادی^{۱*}

علی کرم‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶

چکیده

یکی از نکات برجسته جنگ ۱۲ روزه تاب‌آوری فرهنگی - اجتماعی ایرانیان در برابر تجاوز اسرائیل به ایران بود. در طول این جنگ انسجام اجتماعی و وحدت ملی حول مفهوم میهن و اسلام در میان ایرانیان به شکل بارزی نمایان گردید. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که نگرش ایرانیان به جنگ ۱۲ روزه چه بود و مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی چه نقشی در تاب‌آوری در برابر تهاجم اسرائیل ایفا کردند؟ فرضیه مقاله این است که مردم ایران جنگ ۱۲ روزه را جنگ علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران تلقی نمودند و به دلیل وجود عناصر فرهنگی - دینی مشترک و روحیه میهن‌پرستی بالا، تاب‌آوری فرهنگی - اجتماعی قابل‌قبولی را از خود نشان دادند. داده‌های پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و اینترنت‌محور گردآوری شد و از رویکرد توصیفی - تحلیلی و چارچوب نظری امیل دورکیم برای تحلیل آن استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان دادند ایرانیان، کشورشان را پیروز این جنگ دانسته و خواستار حفظ برنامه‌های موشکی برای تأمین امنیت کشور شده‌اند. آن‌ها ضمن تاب‌آوری در برابر جنگ اقدام به تقویت انسجام ملی در بستر فضای مجازی نمودند. مطابق دیدگاه‌های نظری امیل دورکیم، در جامعه ایرانی مؤلفه‌های وجدان جمعی، شباهت‌های اجتماعی، دین و سنت، ساختارهای اجتماعی ساده و جمع‌نگری باعث انسجام اجتماعی گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: انسجام ملی، جنگ ۱۲ روزه، اسرائیل، ایران، تاب‌آوری.

۱ استاد، روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: abagheri@yu.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی‌ارشد نظام قدرت جهانی، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Karampour.ali@ut.ac.ir



حمله اسرائیل به ایران در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ (۲۳ خرداد ۱۴۰۴) و با بهانه توقف برنامه هسته‌ای و موشکی ایران آغاز گردید. این حمله که با غافلگیری مقامات نظامی و سیاسی ایران همراه شد؛ واکنش متقابل موشکی و پهپادی ایران را به همراه آورد. این غافلگیری نه تنها در نوع جنگ و زمان آن، بلکه در همراهی آمریکا با اسرائیل در حملات به تأسیسات هسته‌ای در نطنز، فردو و اصفهان نیز بود (Bagheri Dolatabadi, 2025: 2). پاسخ ایران به این حمله تجاوزکارانه آمریکا پرتاب ۱۴ موشک به پایگاه نظامیان این کشور در العدید قطر بود. در جریان جنگ ۱۲ روزه، مطابق گزارش وزارت بهداشت کشورمان حدود ۱۰۶۲ نفر شهید شدند که در میان آن‌ها ۲۱ فرماند نظامی ارشد و دانشمند قرار داشتند. همچنین متقابلاً اسرائیل مدعی گردید ۲۹ نفر از شهروندانش طی جنگ کشته شده‌اند (House of Commons Library, 2025: 2).

تهاجم رژیم اسرائیل به ایران نه تنها ابعاد نظامی و استراتژیک داشت بلکه به‌عنوان یک چالش عمیق فرهنگی - اجتماعی، تاب‌آوری ملت ایران را در برابر فشارهای خارجی به نمایش گذاشت. تاب‌آوری اجتماعی - فرهنگی به توانایی یک جامعه در حفظ و سازگار کردن هویت فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی و ارزش‌های محوری خود در مواجهه با اختلال یا تغییر اشاره دارد (Berkes & Ross, 2013:7).

برای بررسی دقیق تاب‌آوری یک ملت در بحران تهاجم خارجی، باید به تاریخ، فرهنگ و وضعیت جمعیت‌شناختی آن جامعه پرداخت. ریشه‌های فرهنگی مقاومت مردم ایران در برابر مهاجمین خارجی را در طول تاریخ کشورمان به خوبی می‌توان مشاهده کرد. یکی از نکات برجسته تاریخ ایران این است که با وجود حملات و حکومت‌های مکرر خارجی (اعراب، مغولان و ترکان) این فاتحان در گذر زمان در فرهنگ ایرانی جذب شدند. آن‌ها زبان فارسی را پذیرفتند، از ادبیات ایرانی حمایت کردند و از الگوهای ایرانی در اداره حکومت و آداب درباری استفاده نمودند (Katouzian, 2009: 9). پس می‌توان بیان کرد که این جذب تدریجی مهاجمان در فرهنگ ایران، نشانگر نیروی نرم، جذابیت فرهنگی و قدرت هویت ملی ایرانیان است و فرهنگ ایرانی چنان تأثیرگذار بود که حتی مهاجمان نیز به بخشی از آن تبدیل شدند. این تاب‌آوری فرهنگی - اجتماعی ایران ریشه در زبان، سنت‌های فرهنگی، دین و حافظه جمعی دارد که توانسته‌اند حتی در بحرانی‌ترین دوران‌ها، «وحدت فرهنگی» را حفظ کنند. نکته‌ای که در جنگ تحمیلی، صدام حسین قادر به درک آن نگردید و جنگی طولانی و پرهزینه را بر دو ملت تحمیل کرد (Jervis, 2010).

ملت ایران با تکیه بر فرهنگ غنی، ارزش‌های اسلامی و انسجام اجتماعی، همچون تاریخ پیشین خود در برابر تهاجم برنامه‌ریزی شده رژیم اسرائیل در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۳ ژوئن ۲۰۲۵) مقاومت چشمگیر و تعیین کننده‌ای از خود نشان دادند. در این مقاومت ملی نقش جوانان برجسته بود. نسلی که به نسل Z (۲۴-۱۸ سال) شناخته می‌شود و تا پیش از آن تصور می‌رفت هیچ همراهی با نظام در این جنگ نشان نخواهد داد. اغلب اقدامات این نسل بر پایه استفاده از فضای مجازی بود که از آن برای حفظ همبستگی و توصیف نگرش ملی‌گرایانه خود نسبت به جنگ استفاده کردند. در واقع دفاع از وطن را برابر با دفاع از هویت و خانه خود دانسته و در همین راستا، عقاید خود را در فضای رسانه‌ای به اشتراک گذاشتند که این اقدامات باعث شد تا این تفکر به شکل غالب‌تری بر ساخت اجتماعی پیدا کند و انسجام بیشتری در مواجهه با فشارهای داخلی و خارجی پدید آید.

با توجه به اهمیت روزافزون بحران‌های جهانی و نقش انسجام اجتماعی در حفظ پایداری ملی، این پژوهش تلاشی است برای روشن‌سازی مکانیزم‌های فرهنگی - اجتماعی در ایران که باعث بروز انسجام و وحدت ملی توده‌های مختلف جامعه ایرانی در برابر تهاجم خارجی شده است. پرسش اصلی مقاله این است که نگرش ایرانیان به جنگ ۱۲ روزه چه بود و مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی چه نقشی در تاب‌آوری ایرانیان در برابر تهاجم اسرائیل ایفا کردند؟ فرضیه مقاله این است که

مردم ایران جنگ ۱۲ روزه را جنگ علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران تلقی نمودند و به دلیل وجود عناصر فرهنگی - دینی مشترک و روحیه میهن پرستی بالا، تاب‌آوری فرهنگی - اجتماعی قابل‌قبولی را از خود نشان دادند. داده‌های پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و اینترنت‌محور گردآوری و از رویکرد توصیفی - تحلیلی برای تحلیل آن استفاده شده است.

۱- پیشینه پژوهش

در خصوص جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم اسرائیل پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

باقری دولت‌آبادی (۲۰۲۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ ژوئن ۲۰۲۵ اسرائیل: ارزیابی ایران و پیامدهای منطقه‌ای» استدلال می‌کند که اهداف اسرائیل شامل نابودی برنامه هسته‌ای، موشکی، پهپادی و سامانه‌های دفاع هوایی ایران و همچنین تغییر رژیم بود؛ که نهایتاً اگرچه اسرائیل به موفقیت‌هایی دست یافت، اما نتوانست برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل متوقف کند. جنگ باعث افزایش حس وطن پرستی و وحدت ملی ایرانیان گردید و زمینه را برای اصلاحات امنیتی و تقویت آمادگی دفاعی فراهم کرد.

مؤسسه علم و امنیت بین‌المللی^۱ (۲۰۲۵) در گزارشی با عنوان «اهمیت دانشمندان هسته‌ای هدف قرار گرفته در جنگ ۱۲ روزه» معتقد است که برخلاف ترورهای پراکنده گذشته، این بار حداقل ۱۹ دانشمند با تخصص‌های حیاتی و مدیریتی در برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران (از جمله در زمینه آغازگرهای نوترونی، مواد منفجره چندنقطه‌ای، شبیه‌سازی و کدگذاری هسته‌ای) هدف قرار گرفتند و حذف شدند. این گزارش تأکید می‌کند که این اقدام، همراه با نابودی آرشیو هسته‌ای و تأسیسات، نه تنها یک ضربه مهلک به «سرمایه انسانی» برنامه هسته‌ای ایران وارد کرده، بلکه با تهدید دانشمندان باقیمانده و تشویق به خبرچینی، یک اثر بازدارنده روانی قوی ایجاد کرده است.

اچ‌آلین و استیونسون^۲ (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌ها و پیامدهای حمله به ایران» استدلال می‌کنند که خروج ترامپ از برجام در ۲۰۱۸ زمینه اصلی حمله اسرائیل به ایران بود. جنگ غزه و برتری موقت نظامی اسرائیل در جنگ فوق نیز نقش مؤثری در این حمله داشت. پیامدهای این حمله شامل تضعیف بیشتر نظم بین‌المللی، افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای و احتمال تشدید چرخه درگیری‌هاست؛ چرا که ایران با داشتن اورانیوم غنی‌شده کافی، انگیزه و توان فنی برای احیای برنامه هسته‌ای خود را حفظ کرده است.

همچنین گروهی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی فرهنگ سیاسی ایرانیان و مؤلفه تاب‌آوری کرده‌اند. برخی از مهمترین این پژوهش‌ها عبارتند از:

کوهن و لوین^۳ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با موضوع «مؤلفه‌های اجتماعی تاب‌آوری در جمهوری اسلامی ایران» بر این باورند که تلفیق ملی‌گرایی فارسی و هویت شیعی (تبدیل دفاع از ملت و گسترش انقلاب به یک وظیفه واحد)، ترس جمعی (ادراک تهدیدهای خارجی که به انسجام داخلی و پشتیبانی از حکومت منجر شد) و اشتیاق به جنگ (نشأت گرفته از تمایل به فداکاری و روحیه شهادت‌طلبی) به تقویت انسجام نهادی و پایداری ساختار اجتماعی کمک کرده‌اند. نهایتاً این مقاله نشان می‌دهد که تاب‌آوری نه صرفاً واکنش به تهدید، بلکه ساختاری ریشه‌دار در نهادهای اجتماعی ایران است.

۱ IISS

۲ H. Allin & Stevenson

۳ Cohen & Levin

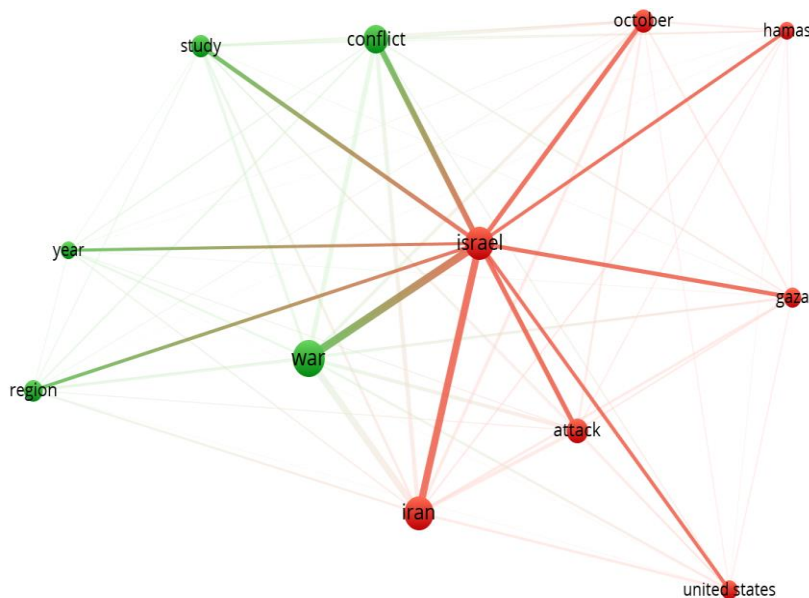


آیزنشتات^۱ (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان «فرهنگ استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران: دین، مصلحت و قدرت نرم» به فرهنگ استراتژیک ایران پرداخته و ساختارهای هویتی، دینی، تاریخی و نظامی آن را بررسی می‌کند. به عقیده او این ترکیب باعث شده که در شرایط بحرانی، مردم ایران انسجام بالایی در سطح نهادها و خُرده‌فرهنگ‌ها نشان دهند. نویسنده نهایتاً نتیجه می‌گیرد که در ایران، ساختارهای رسمی (نهادهای نظامی، بسیج، حوزه‌های علمیه) و غیررسمی (خانواده، مساجد، هیئت‌ها) به‌صورت همزمان در بازتولید همبستگی جمعی نقش دارند.

سریع‌القلم (۱۳۹۳) در کتاب خود تحت عنوان «فرهنگ سیاسی ایران» به بررسی فرهنگ سیاسی ایران از منظر تاریخی، اجتماعی و روان‌شناختی می‌پردازد و با استفاده از پرسشنامه‌های طراحی‌شده، به تحلیل دیدگاه‌های تاریخی و اجتماعی مردم ایران پرداخته و نقش این عوامل را در مقاومت فرهنگی و تاب‌آوری اجتماعی بررسی کرده است. وی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای فرهنگی و تاریخی در ایران به شکل‌گیری نوعی مقاومت در برابر تغییرات سریع و حفظ هویت جمعی کمک کرده‌اند.

صالحی امیری (۱۳۸۶) در کتابی تحت عنوان «مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی» با تأکید بر مفهوم تاب‌آوری فرهنگی، نشان می‌دهد که چگونه هویت فرهنگی ایران در برابر نفوذ فرهنگ‌های بیگانه مقاومت نشان داده و از طریق بازتولید ارزش‌ها و سنت‌ها، به حفظ انسجام اجتماعی کمک کرده است. نویسنده با استفاده از چارچوب‌های نظری و تحلیل‌های تطبیقی، منبعی کلیدی برای فهم مقاومت فرهنگی در ایران معاصر ارائه می‌دهد.

حلقه مفقوده مقالات به نگارش درآمده جنگ ۱۲ روزه و ارائه ندادن یک تحلیل جامعه‌شناختی در خصوص نقش رویکردهای فرهنگی در تاب‌آوری ایرانیان است. وجه تمایز این پژوهش، تحلیل و بررسی تاب‌آوری و مقاومت فرهنگی - اجتماعی ایران در برابر تهاجم نظامی اسرائیل به ایران و نگرش مردم ایران به این موضوع است که در چارچوب جامعه‌شناختی «انسجام اجتماعی» پیگیری خواهد شد.



نمودار ۱. پراکنش مهمترین کلید واژگان در پایگاه علمی اسکوپوس

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

۲- چارچوب مفهومی

امیل دورکیم انسجام اجتماعی را به عنوان میزان پیوند و وابستگی افراد به جامعه تعریف می‌کند. این مفهوم به درجه‌ای اشاره دارد که افراد از طریق نهادهای اجتماعی مانند دین، خانواده و اجتماعات حرفه‌ای به یک کل جمعی متصل می‌شوند. در واقع انسجام اجتماعی به عنوان یک نیروی جمعی عمل می‌کند که افراد را در برابر تمایلات خودخواهانه یا انزواطلبانه محافظت می‌کند. انسجام اجتماعی از طریق ایجاد حس تعلق، هویت جمعی و ارزش‌های مشترک تقویت می‌شود. دورکیم تأکید می‌کند که جوامعی با انسجام اجتماعی بالا مانند جوامع سنتی یا مذهبی، افراد را به اهداف جمعی متصل کرده و از انزوای آن‌ها جلوگیری می‌کنند. به عنوان مثال، او نشان می‌دهد که جوامع کاتولیک به دلیل آیین‌های جمعی و ساختار منسجم‌تر، انسجام اجتماعی بیشتری نسبت به جوامع پروتستان دارند (Durkheim, 2005: 109-169). دورکیم مفهوم تنظیم اجتماعی را مطرح می‌کند و نسبت آن با انسجام اجتماعی را تشریح می‌کند؛ به عقیده وی، تنظیم اجتماعی به معنای وجود هنجارها و قوانین اجتماعی است که رفتارها و خواسته‌های افراد را محدود می‌کند. دورکیم استدلال می‌کند که تعادل در تنظیم اجتماعی برای سلامت جامعه ضروری است؛ یعنی تنظیم بیش‌ازحد یا کمبود تنظیم هر دو می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی منجر شوند. ضمن این‌که دورکیم مفاهیم انسجام و تنظیم را به عنوان مکمل هم می‌داند. به این معنا که انسجام اجتماعی، افراد را به جامعه متصل می‌کند در حالی که تنظیم اجتماعی رفتارهای آن‌ها را هدایت و محدود می‌کند. دورکیم معتقد است که عدم تعادل در هر یک از این دو نیرو می‌تواند به رفتارهای آسیب‌زا، مانند خودکشی منجر شود (Durkheim, 2005: 209-262).

دورکیم مفاهیم حول انسجام اجتماعی را تبدیل به نظریه «انسجام اجتماعی» کرد که در کتاب تقسیم کار در جامعه تشریح شده است و به بررسی چگونگی حفظ همبستگی و یکپارچگی اجتماعی در جوامع مختلف از طریق دو نوع اصلی انسجام یعنی «انسجام مکانیکی و انسجام ارگانیکی» می‌پردازد. این نظریه بر تأثیر تقسیم کار بر ساختارهای اجتماعی و روابط میان افراد تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه جوامع از حالت سنتی به مدرن تحول می‌یابند. چارچوب نظری این مقاله بر انسجام مکانیکی متمرکز است؛ زیرا این نوع انسجام با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران در زمان بحران همخوانی بیشتری دارد.

انسجام مکانیکی به نوع همبستگی اجتماعی اشاره دارد که در جوامع ساده‌تر و سنتی‌تر غالب است. این نوع انسجام بر شباهت‌ها و اشتراکات میان افراد جامعه استوار است و به ویژه از طریق باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک در قالب «وجدان جمعی» تجلی می‌یابد. مهمترین ویژگی‌های انسجام مکانیکی عبارتند از:

الف) وجدان جمعی: وجدان جمعی به باورها، ارزش‌ها و احساسات مشترکی متکی است که اعضای یک جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد. دورکیم تأکید می‌کند که در جوامع با انسجام مکانیکی، این وجدان جمعی بسیار قوی است و افراد از نظر فکری و اخلاقی به یکدیگر شبیه هستند. این شباهت‌ها باعث می‌شود که جامعه به صورت یک کل یکپارچه عمل کند، و هرگونه تخطی از این باورهای مشترک به عنوان تهدیدی برای کل جامعه تلقی می‌شود. به عنوان مثال، دورکیم به جوامعی اشاره می‌کند که در آن‌ها قوانین و هنجارها مستقیماً از باورهای مذهبی سرچشمه می‌گیرند و نقض این قوانین با واکنش‌های شدید اجتماعی مواجه می‌شود (Durkheim, 1933: 79-110).

ب) شباهت‌های اجتماعی: برای ایجاد انسجام مکانیکی، یکی از کلیدی‌ترین مؤلفه‌ها یکسان بودن افراد است (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۷). با تأکید بر همین امر، دورکیم معتقد است افراد جوامع با انسجام مکانیکی دارای نقش‌ها و وظایف مشابهی هستند و تفاوت‌های فردی به حداقل می‌رسد. این شباهت‌ها باعث می‌شود که جامعه مانند یک کل یکپارچه عمل کند (Durkheim, 1933: 95).

۱ The Division of Labor in Society

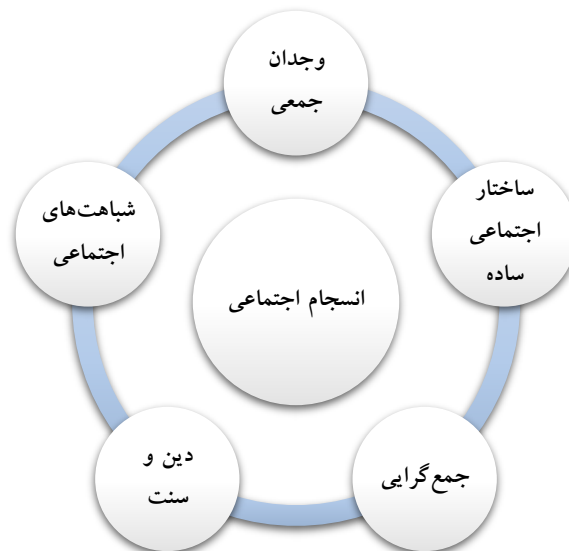
۲ Collective Conscience



ج) نقش دین و سنت: دین در جوامع با انسجام مکانیکی، نقش محوری در تقویت وجدان جمعی ایفا می‌کند. دورکیم استدلال می‌کند که در این جوامع، قوانین و آیین‌های مذهبی اغلب با هنجارهای اجتماعی درهم آمیخته‌اند و به حفظ انسجام کمک می‌کنند. برای مثال، او به جوامعی اشاره می‌کند که در آن‌ها مراسم مذهبی و قوانین اجتماعی به‌صورت توأمان عمل می‌کنند تا احساسات جمعی را تقویت کنند (Durkheim, 1933: 110-112).

د) ساختار اجتماعی ساده: جوامع با انسجام مکانیکی، دارای ساختارهای اجتماعی ساده‌ای هستند که در آن‌ها تقسیم کار به حداقل می‌رسد. افراد در این جوامع وظایف مشابهی دارند و این شباهت در نقش‌ها، به تقویت انسجام مکانیکی کمک می‌کند. دورکیم تأکید می‌کند که این ساختارهای ساده باعث می‌شوند که افراد به دلیل اشتراکاتشان به یکدیگر متصل شوند (Durkheim, 1933: 107-117).

ه) کاهش فردیت: در این جوامع، فردیت کمتر توسعه یافته است و هویت جمعی غالب است. دورکیم استدلال می‌کند که افراد در این جوامع به دلیل شباهت‌هایشان در باورها و رفتارها، افراد کمی به‌صورت مستقل عمل می‌کنند و اکثر افراد به‌عنوان بخشی از کل جامعه کنش‌ورزی می‌کنند (Durkheim, 1933: 97).



نمودار ۲. مؤلفه‌های انسجام اجتماعی

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

در پژوهش حاضر و در ادامه نظریه دورکیم، برای ارائه تحلیلی منسجم‌تر از شکاف نسلی و نقش جوانان، از مفهوم «واحدهای نسل» که توسط کارل مانهایم مطرح شده است استفاده خواهد شد. یعنی از این زاویه به موضوع پرداخته می‌شود که هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه دورکیم چگونه در بین ایرانیان به‌صورت متکثر، چندوجهی و در قالب واحدهای گروه‌های فرعی ظهور کرده‌اند.

از نظر مانهایم، واحد نسل به گروه‌هایی از افراد درون یک نسل واقعی اطلاق می‌شود که اگرچه تحت تأثیر شرایط تاریخی یکسان قرار دارند اما این تجربه مشترک را به شیوه‌های خاص و گاه متضاد درونی کرده و به پاسخ‌های فکری و عملی متمایزی تبدیل می‌کنند. واحدهای نسل زمانی پدید می‌آیند که گروهی از افراد نه‌تنها در موقعیت نسلی یکسان قرار دارند بلکه در پاسخ به محرک‌های تاریخی مشترک، گرایش‌های یکپارچه‌کننده و اصول شکل‌دهنده مشترکی را توسعه می‌دهند که این امر منجر به ایجاد یک پیوند عینی‌تر میان اعضا می‌شود (Mannheim, 1952: 304-306). مطابق مفهوم

واحدهای نسلی، استدلال مقاله این است که قدرت تاب‌آوری جامعه ایرانی در جنگ ۱۲ روزه نه صرفاً به دلیل یک شباهت درونی از پیش تعیین شده یکدست بلکه تا حد زیادی مرهون تکثر و تنوع واحدهای نسل جوان بود که هر کدام با شیوه خود، هر یک از مؤلفه‌های انسجام اجتماعی را تقویت کردند. جنگ ۱۲ روزه با ایجاد تهدیدی خارجی، وجدان جمعی و شباهت‌های اجتماعی را تقویت کرده و از طریق جمع‌گرایی و تکیه بر دین و سنت، ساختار اجتماعی ساده ایران را در برابر فروپاشی حفظ کرد.

جدول ۱. تحلیل انسجام اجتماعی ایرانیان بر اساس نظریه دورکیم و مانهایم

مؤلفه‌های نظریه انسجام اجتماعی	توضیح نقش در انسجام فرهنگی	توضیح نقش در انسجام اجتماعی
وجدان جمعی	تقویت واکنش نمادین عمومی، تقویت مرزهای اخلاقی علیه تجاوز، ایجاد احساس مسئولیت جمعی برای حمایت و پیگیری حقوقی-سیاسی کشور	شکل‌گیری ارزش مشترک ضدتجاوز، مقاومت ملی و وحدت بر سر دفاع از خاک کشور
شباهت‌های اجتماعی	ایجاد همبستگی میان‌نسلی و صنفی، تسهیل تولید محتوا و تجمعات هماهنگ در سراسر ایران، تقویت روحیه ملی و یکپارچگی اجتماعی	اقشار مختلف از جمله روحانیون، دانشجویان، نخبگان و مردم عادی واکنش‌های مشابهی از طریق راهپیمایی، پیام همدردی و حضور در شبکه‌های اجتماعی نشان دادند.
دین و سنت	بسیج معنوی در سطح ملی، تولید پیام‌های امیدبخش و معنابخش، ایجاد هویت توحیدی و مقاومتی که جامعه را در بحران حفظ می‌کرد.	خطبه‌های مذهبی، تجمعات هیئتی و رسانه‌ای بر اساس آموزه‌های شیعی مثل «دفاع از مظلوم» و «ایثار» مواضع قشر خاکستری و بی‌تفاوت را جهت‌دهی کردند.
ساختار اجتماعی ساده	امکان بسیج سریع مشارکت مردمی، انتشار اطلاعات یا تولید پیام‌های فرهنگی، مشارکت محله‌ای در همدلی و وحدت فرهنگی	فعال‌شدن ساختارهای محلی مانند مساجد، ستادهای بسیج، گروه‌های دانشجویی و رسانه‌های محلی در واکنش سریع به اخبار و امدادسانی فرهنگی و معنوی
جمع‌گرایی	تقویت احساس مسئولیت عمومی، ترویج هماهنگی مردمی در حمایت از نظام و گفتمان مقاومت، افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت جمعی در بحران	پیام‌های حمایتی مردم از خانواده‌های شهدای علمی-نظامی، پوشش‌های مردمی جمع‌آوری حمایت نمادین از مقاومت

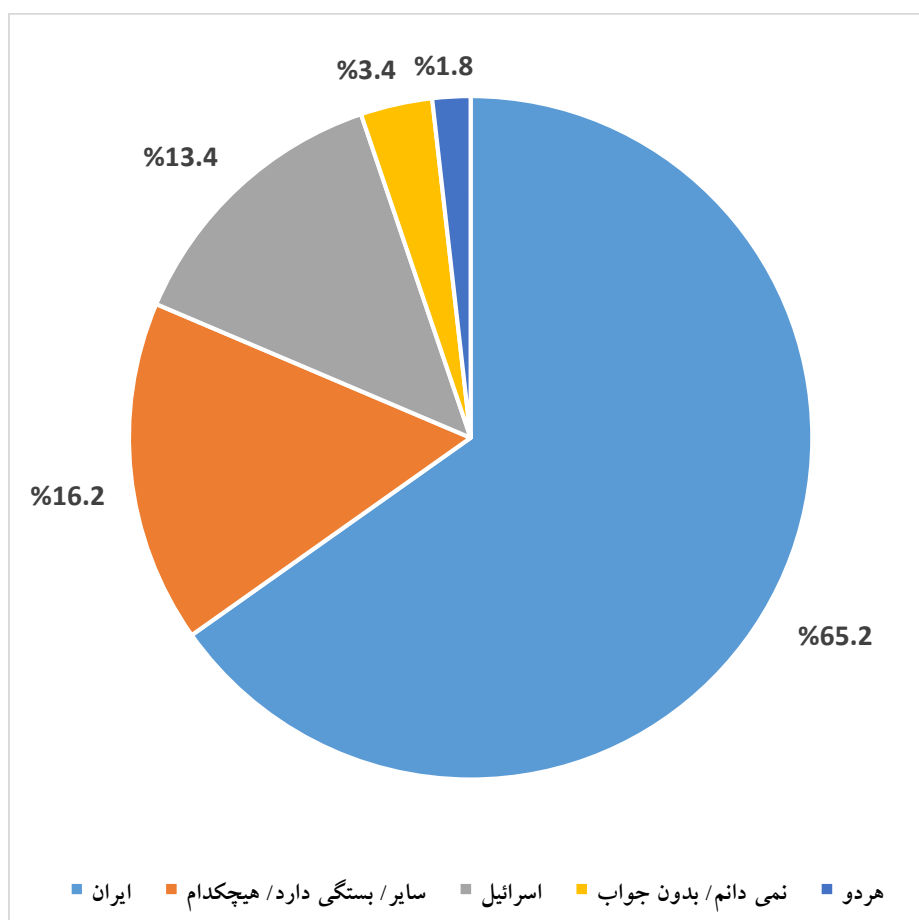
منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

۳- نگرش مردم ایران به جنگ ۱۲ روزه

با وجود این‌که جنگ نزد توده‌های مردم امری مذموم تلقی می‌گردد؛ اما، زمانی‌که این جنگ از سوی دیگر کشورها بر آن‌ها تحمیل می‌گردد نوعی اشتیاق به دفاع از میهن و جنگ در آن‌ها شکل می‌گیرد. ایرانیان نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند. بعد از پایان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل علیه ایران نظرسنجی‌های مختلفی درباره نگرش و دیدگاه مردم ایران نسبت به جنگ انجام شد. یکی از مهمترین پرسش‌ها در این نظرسنجی‌ها این بود که از دید مردم ایران مقصر جنگ چه کسی بوده است؟ ۴۷/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان «آمریکا» را عامل اصلی آغاز جنگ دانسته‌اند. پس از آن، ۳۴/۱ درصد «اسرائیل» را مقصر اصلی دانسته‌اند و ۱۱ درصد نیز «ایران» را مسئول آغاز درگیری معرفی کرده‌اند (داوری، ۱۴۰۴). یافته فوق‌گویای این است که ایرانیان بین آمریکا و اسرائیل چندان قائل به تمایز نیستند و پشت هر اقدام اسرائیل در منطقه دست پنهان آمریکا را می‌بینند. این تحلیل ریشه در تجربه‌های تاریخی و حافظه جمعی دارد و در قالب نوعی دشمن‌شناسی تثبیت شده بازتولید می‌شود؛ امری که از منظر روان‌شناسی سیاسی، ویژگی دیرپای ادراک عمومی در ایران به شمار می‌رود. در عین حال، سهم قابل‌توجه ۳۴/۱ درصدی کسانی که اسرائیل را عامل اصلی جنگ دانسته‌اند، نشان می‌دهد که بخشی از جامعه ایران، مسئولیت مستقیم‌تری را متوجه این بازیگر منطقه‌ای می‌داند.



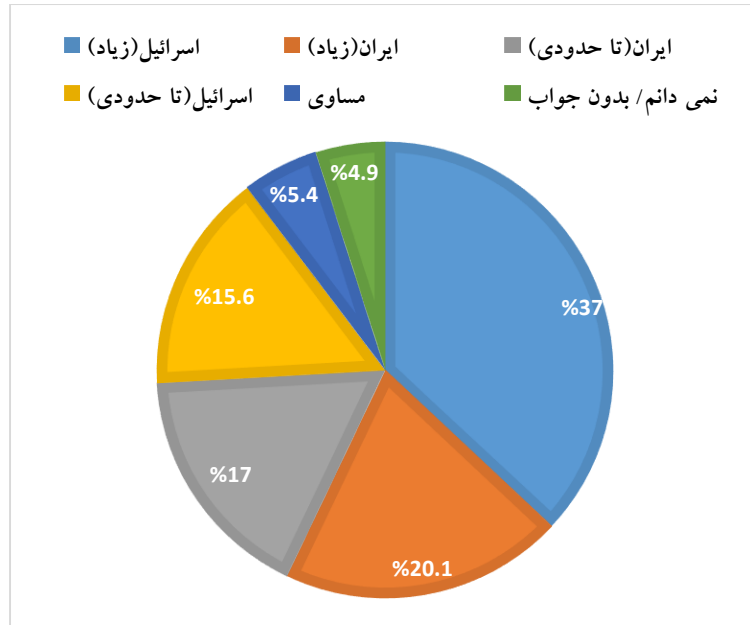
نتایج نگرش‌سنجی که توسط مرکز راهبردی فرهنگ و رسانه بین تاریخ‌های ۸ تیر تا ۱۷ تیر ۱۴۰۴ بر روی ۱۰۰۰ شهروند بالای ۱۵ سال انجام گرفت نشان داد ۶۵/۲ درصد پاسخ‌دهندگان ایران را پیروز این جنگ دانسته‌اند. این در حالی است که ۱۳/۴ درصد اسرائیل را پیروز معرفی کرده‌اند (روهنده، ۱۴۰۴). این نتیجه در نظرسنجی دیگری که مرکز افکارسنجی ملت در بازه زمانی ۹ تا ۱۲ تیرماه ۱۴۰۴ انجام شده، تأیید گردیده است. طبق نظرسنجی دوم که بر روی ۷۰۰ نفر شهروند بالای ۱۸ سال انجام شده است ۵۵ درصد، ایران را پیروز جنگ و ۴/۶ درصد، اسرائیل را پیروز معرفی کرده‌اند (داوری، ۱۴۰۴). این یافته گویای این است که شهروندان ایرانی از واکنش نظامی ایران به حمله اسرائیل احساس رضایت داشته و آن را نتیجه‌بخش یافته‌اند. همچنین نوعی اعتماد مردم به قدرت ملی، ایمان به نصرت الهی و ناکامی دشمن در عملیات شناختی و روانی را در پاسخ‌های آن‌ها می‌توان یافت.



نمودار ۳. پیروز جنگ ۱۲ روزه

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

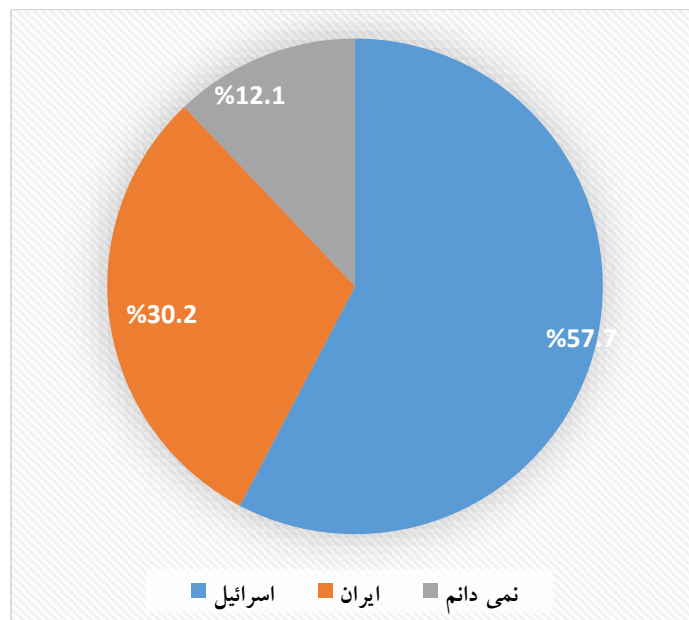
همان‌طور که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده است ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند میزان خسارت وارد شده به اسرائیل زیاد و ۱۵/۶ درصد آن را تاحدودی ارزیابی کردند. ارقام فوق نسبت به رقم ۲۰/۱ درصد برای خسارت وارد شده بر ایران نشان می‌دهد که نگرش ایرانیان نسبت به تسلیحات تولید شده در بخش آفند و پدافند مثبت است (روهنده، ۱۴۰۴).



نمودار ۴. خسارات وارد شده به ایران و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

نتایج نظرسنجی مرکز افکارسنجی ملت نیز مؤید این یافته است (نمودار شماره ۵). ۵۷/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان اسرائیل را متحمل بیشترین خسارت دانسته‌اند. در مقابل، ۳۰/۲ درصد ایران را طرف آسیب‌دیده‌تر ارزیابی کرده‌اند. ۱۲/۱ درصد از شرکت‌کنندگان نیز گزینه «نمی‌دانم/ بی‌پاسخ» را انتخاب کرده‌اند (داوری، ۱۴۰۴). این ارزیابی‌ها می‌تواند ناشی از دسترسی افراد به پوشش‌های رسانه‌ای داخلی و خارجی و برداشت‌های کلی آن‌ها باشد که در گذر زمان شکل گرفته است.

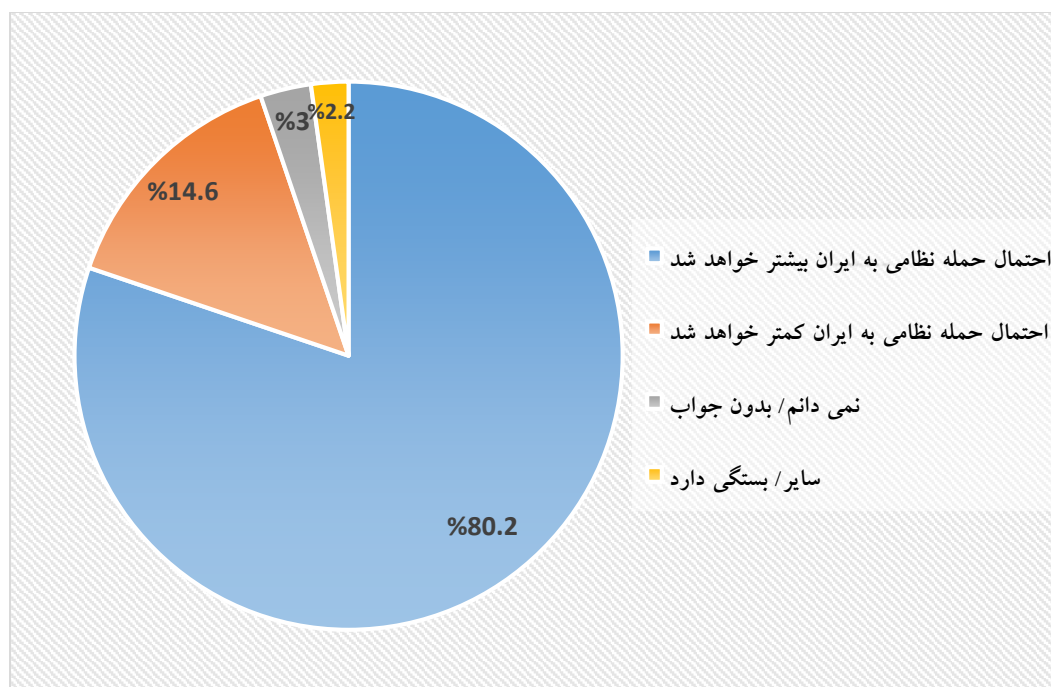


نمودار ۵. مقایسه خسارت وارده به طرفین جنگ

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴



طبق نظرسنجی مرکز راهبردی فرهنگ و رسانه ۳۸/۹ درصد شهروندان معتقد هستند که میزان تأثیر حملات موشکی ایران به اسرائیل خیلی زیاد بوده است. ۴۱/۱ درصد این اثر را زیاد و ۱۴/۴ درصد کم گزارش کرده‌اند (داوری، ۱۴۰۴). مجموع رقم ۸۰ درصد برای مؤثر دانستن میزان اثرگذاری حملات موشکی ایران گویای نوعی رضایت و ارزیابی موفق از واکنش موشکی نیروهای مسلح کشور در برابر تجاوز نظامی اخیر است. از سوی دیگر، درصد نسبتاً پایین پاسخ‌هایی که حملات را کم‌اثر یا بی‌اثر ارزیابی کرده‌اند، ممکن است بازتابی از اعتماد عمومی به دقت، بُرد و قابلیت‌های موشکی کشور باشد. به همین خاطر زمانی که از پاسخ‌دهندگان درباره لزوم توسعه برنامه موشکی ایران سوال شده است، ۸۰/۲ درصد اعلام کرده‌اند که اگر ایران برنامه موشکی خود را توسعه ندهد احتمال نظامی اسرائیل به کشورمان بیشتر می‌شود (نمودار شماره ۴). تحولات رخ داده در سوریه، فلسطین و لبنان پس از عملیات ۷ اکتبر احتمالاً در شکل‌گیری این نگرش بی‌تأثیر نبوده است. این کشورها از توان دفاعی و موشکی لازم برای مقابله با حملات اسرائیل برخوردار نبودند؛ لذا با حجم بالای حملات و تخریب تأسیسات و اماکن روبه‌رو شدند.

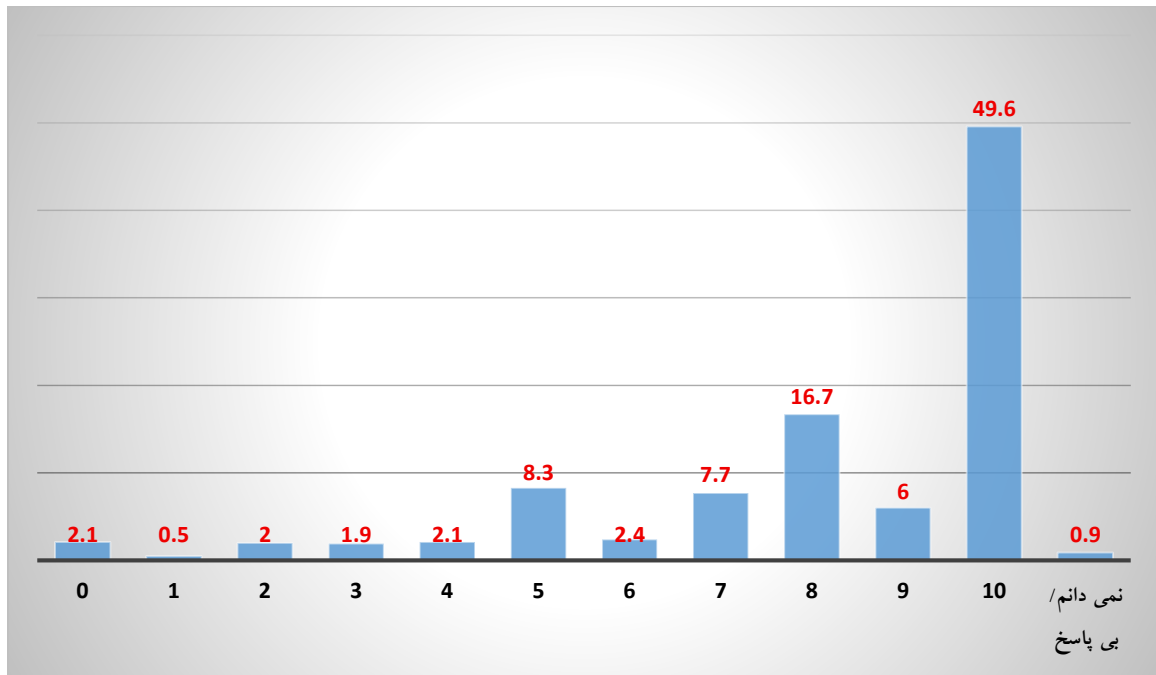


نمودار ۶. دیدگاه مردم ایران درباره تأثیر عدم توسعه برنامه موشکی ایران

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

در پاسخ به این پرسش که «به عملکرد نیروهای نظامی کشور در جنگ ۱۲ روزه چه نمره‌ای از صفر تا ۱۰ می‌دهید؟»، بیشترین پاسخ‌ها (۶/۴۹ درصد) به نمره کامل «۱۰» تعلق داشته است. همچنین، در مجموع، حدود ۸۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به عملکرد نیروهای نظامی کشور نمره‌ای بین ۷ تا ۱۰ داده‌اند (نمودار شماره ۷). میانگین نمره کل جامعه آماری به عملکرد نیروهای مسلح، ۸/۲ از ۱۰ بوده است؛ عددی که حاکی از رضایت عمومی بالا و اعتماد نسبت به نحوه مدیریت نظامی کشور در بحران اخیر است. نتایج نشان می‌دهد که حتی در شرایط اضطراری جنگی، بخش بزرگی از جامعه نه تنها به توان دفاعی کشور اعتماد دارد، بلکه عملکرد میدانی نیروهای نظامی را در سطحی بالا و قابل قبول ارزیابی می‌کند. این سطح از رضایت می‌تواند نشانه‌ای از کارآمدی ساختار نظامی - امنیتی کشور و بازتابی از هماهنگی، آمادگی عملیاتی و اثرگذاری ضربات متقابل

در مواجهه با تهدید باشد. در سطحی فراتر، چنین ارزیابی مثبتی را می‌توان در چارچوب سرمایه دفاعی و ظرفیت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد؛ ظرفیتی که در ذهن جامعه نیز مشروعیت یافته و مورد حمایت قرار گرفته است.



نمودار ۷. عملکرد نیروهای نظامی کشور در جنگ ۱۲ روزه

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

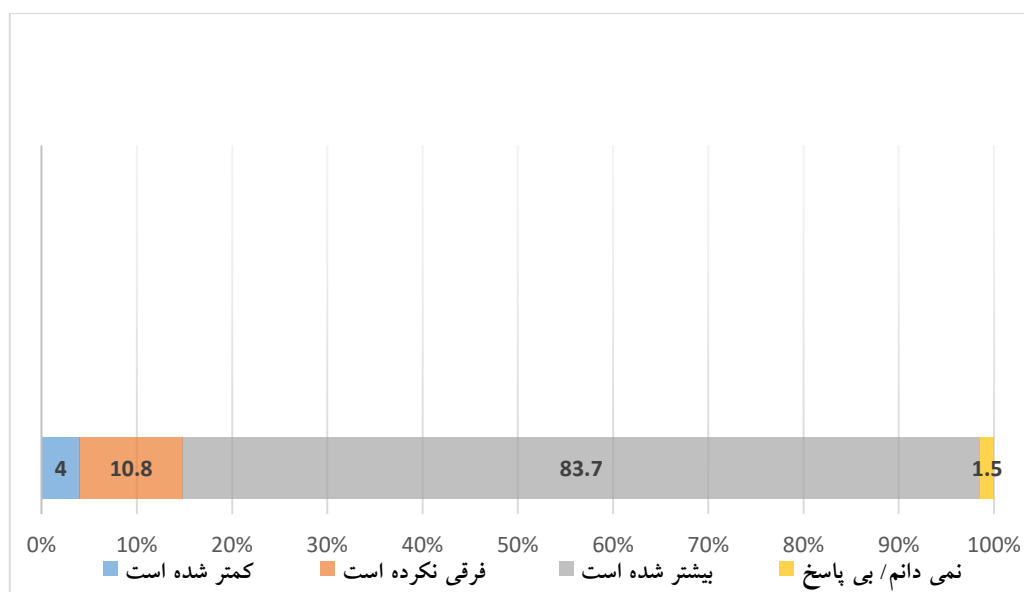
در پاسخ به این پرسش که «چقدر به تصمیمات مسئولان نظامی و سیاسی کشور در مقابله با دشمن اعتماد دارید؟»، ۳۲/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه «خیلی زیاد» و ۳۰/۱ درصد گزینه «زیاد» را انتخاب کرده‌اند؛ به عبارتی، در مجموع بیش از ۶۲ درصد از شرکت‌کنندگان سطح بالایی از اعتماد به تصمیمات اتخاذشده در مواجهه با تهدیدات نظامی و امنیتی نشان داده‌اند. در مقابل، ۱۴/۵ درصد گزینه «اصلاً» و ۱۸/۴ درصد «کم» را انتخاب کرده‌اند که در مجموع حدود یک‌سوم از جامعه آماری را تشکیل می‌دهد. این تفاوت قابل توجه در میزان اعتماد، به‌ویژه در شرایطی که کشور تحت فشار روانی و عملیاتی ناشی از جنگ بوده، می‌تواند نشانه‌ای از مقبولیت کلی تصمیمات کلان امنیتی- دفاعی و اعتماد مردم به نظام فرماندهی و هدایت کشور در بحران‌ها باشد (داوری، ۱۴۰۴).

از منظر جامعه‌شناختی، این سطح از اعتماد، به‌ویژه در حوزه تصمیم‌گیری‌های راهبردی، نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری ملی و حفظ انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. وجود چنین اعتماد گسترده‌ای به مجموع مسئولان نظامی و سیاسی، به‌مثابه پشتوانه‌ای برای تداوم سیاست‌های دفاعی و کنش‌های ملی در عرصه بین‌المللی نیز عمل می‌کند؛ پشتوانه‌ای که بدون آن، هرگونه مواجهه با تهدیدات خارجی می‌تواند با چالش‌هایی جدی در سطح داخلی و خارجی روبه‌رو شود.

مهمترین بخش یافته‌های نظرسنجی‌های انجام شده بر روی شهروندان دیدگاه آن‌ها درباره تأثیر جنگ بر همدلی و اتحاد بین مردم است (نمودار شماره ۸). ۸۳/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان بر این باور بوده‌اند که میزان همدلی و اتحاد میان مردم بیشتر شده است. این در حالی است که تنها ۱۰/۸ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند فرقی نکرده است و تنها ۴ درصد نیز معتقدند همبستگی کمتر شده است. این نتیجه، نشان‌دهنده شکل‌گیری همبستگی اجتماعی گسترده در مواجهه با تهدید نظامی خارجی است. جنگ ۱۲ روزه نه تنها به تضعیف انسجام داخلی منجر نشده، بلکه نزد افکار عمومی، عاملی برای همدلی بیشتر تلقی



شده است. چنین برداشت فراگیری، می‌تواند پیامد چند عامل باشد: افزایش حس تهدید مشترک، روایت رسانه‌ای مؤثر از «دفاع ملی» و نیز بروز احساسات میهن‌دوستانه در مواجهه با تهدید نظامی خارجی (داوری، ۱۴۰۴).



نمودار ۹. تأثیر جنگ بر همدلی و اتحاد مردم

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

۴- مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی تاب‌آوری در ایرانیان

۴-۱- وجدان جمعی

بر اساس نظریه دورکیم، وجدان جمعی به مجموعه باورها و احساسات مشترک اعضای یک جامعه اشاره دارد که از طریق «خاطره مشترک و روایت‌های جمعی» تقویت شده است. در جوامع سنتی، وجدان جمعی به‌طور معمول ماهیت مذهبی دارد، سفت و سخت است و به شکل فراگیر وجود دارد. ضمن این‌که در این جوامع، قدرت وجدان جمعی است که پایه اخلاقی جامعه را فراهم می‌کند و برای همبستگی در بحران‌ها نقش کلیدی ایفا کرده و افراد را به یکدیگر متصل می‌کند. در جنگ ایران و عراق، توانایی ایران برای اداره این جنگ ۸ ساله نمایان شد که خود نشان‌دهنده تاب‌آوری، توانایی بسیج جامعه و تثبیت قدرت تحت فشار بود. راز تاب‌آوری جامعه ایرانی در ترکیب ملی‌گرایی و وطن‌دوستی نهفته است که زمینه‌ساز دفاع همه‌جانبه مردمی از کشور در برابر مهاجمین شد (Cohen & Lewin, 2020: 607).

با گذشت سه دهه از اتمام جنگ ایران و عراق و وقوع حوادث اجتماعی گوناگون در ایران، در جنگ ۱۲ روزه با وجود نارضایتی‌های داخلی، احساس ملی‌گرایی بر انتقادات عمومی سایه انداخت و هیچ اعتراض یا شورش در طول یا پس از جنگ رخ نداد و این امر نمایان شد که هنوز هم ترکیب ملی‌گرایی و وطن‌دوستی ایرانیان بر تهاجم خارجی غلبه می‌کند. به‌عبارتی این پدیده نشان‌دهنده آن است که در مواجهه با تهدید خارجی، باورها و احساسات جمعی ایرانیان به سمت حفظ کیان ملی متمرکز می‌شود. در این جنگ، برنامه هسته‌ای ایران و حق غنی‌سازی که مدت‌ها به پروژه‌های غرور ملی تبدیل شده بود، به‌عنوان نمادی از هویت جمعی عمل کرد و مردم حول آن متحد شدند (Mahwar, 2025).

نکته قابل توجه در بمباران‌های هوایی رژیم اسرائیل در ایران این بود که با وجود تمرکز حملات بر توانایی‌هایی نظامی ایران و آسیب کمتر به مناطق مسکونی، عزم و اراده مردم تقویت شد. مردم حمله به این اهداف را حمله به سرمایه‌های خود

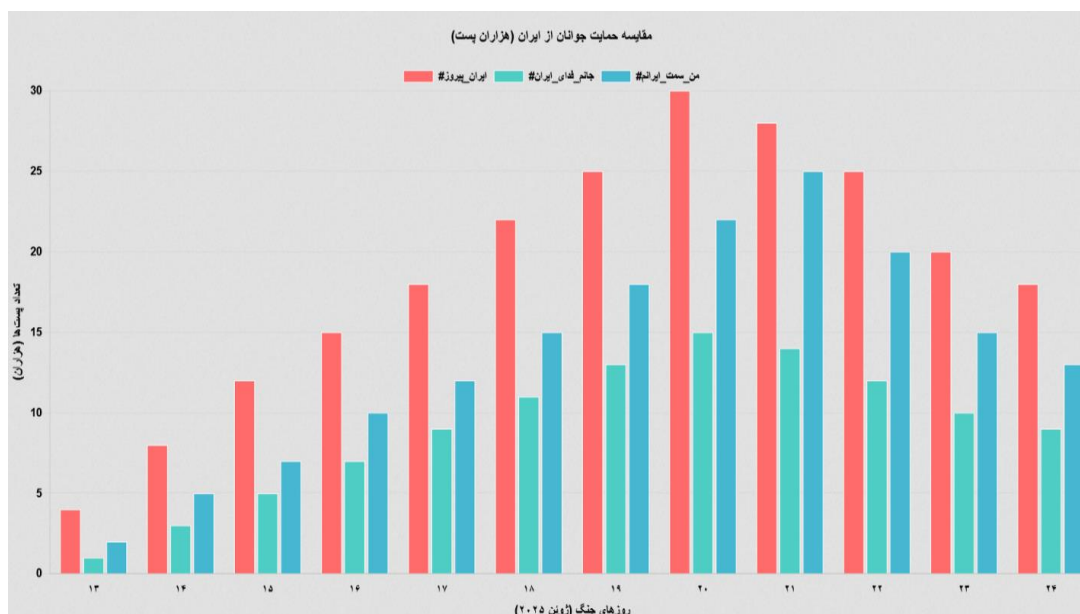
تلقی کردند و همزمان که کشورشان تحت هجوم خارجی بود صدای ملی‌گرایانه‌ای واحدی یافتند (IISS, 2025)؛ رویدادی که آیت‌الله خامنه‌ای در پیام تلویزیونی خود از آن تعبیر به نشانه‌ای از وحدت ملی کردند. نکته دوم مربوط به پیام‌های بنیامین نتانیاهو به مردم ایران در حین حملات است. او پیوسته تأکید می‌کرد که هدفش نجات مردم ایران است؛ به همین خاطر انتظار داشت همزمان با حملات اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و موشکی ایران اقدامات اعتراضی به نظام سیاسی از سوی مردم ایران آغاز گردد. این فراخوان به شورش، هیچ‌گاه در طول جنگ و پس از آن اجابت نشد؛ چرا که مردم ایران آن را ادامه تجاوزات قدرت‌های بزرگ در قرن بیستم، اشغال ایران و پروژه‌های تجزیه میهن دیدند (Bagheri Dolatabadi, 2025: 13).

برخی در اسرائیل و گروه‌های اپوزیسیون خارجی امیدوار بودند این عملیات نظامی، که هدف آن نیروهای سپاه پاسداران و امنیتی داخلی و همچنین سایت‌های هسته‌ای و موشکی بود، یک قیام توده‌ای و سرنگونی جمهوری اسلامی را به همراه داشته باشد؛ اما، هیچ نشانه‌ای از این دست اقدامات مشاهده نشد (Reuters, 2025). این خواسته از چشم مردم ایران نیز پنهان نماند. ۸۲/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند فعالیت گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به قدرت بوده است و تنها ۵/۹ درصد آن را تلاشی برای آزادی و رفاه مردم ایران دانستند (داوری، ۱۴۰۴). مقامات ایران هم به خوبی دریافتند چنانچه انسجام ملی در این جنگ به وقوع نمی‌پیوست احتمال دستیابی اسرائیل به خواسته اصلی خود وجود داشت. به همین خاطر رهبر ایران از انسجام مردم در جنگ با اسرائیل با عبارات «اتحاد مقدس»، «اجتماع عظیم» و «سپر پولادین» یاد کردند که نشان از اهمیت این امر در نظر ایشان دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۴).

یکی از عناصر اصلی این انسجام، جوانان بودند. آن‌ها یک احساس مشترک قربانی شدن و مقاومت فرهنگی داشتند که از طریق فضای مجازی، این احساسات را برای پردازش جمعی بحران به اشتراک گذاشتند. این وجدان جمعی که مبتنی بر هویت ملی بود از طریق روایت‌های فرهنگی مقاومت در برابر تهاجم خارجی بازسازی شد و تاب‌آوری را افزایش داد. در واقع احساس اتحاد ملی در جوانان به‌عنوان پاسخ غالب به تهدید خارجی نمایان شد که همین امر باعث به حاشیه رانده شدن ترس فردی و ایجاد مسئولیت جمعی متقابل بین مردم گردید. اما نکته قابل‌توجه این است که جنگ، یک وجدان جمعی یکپارچه نسلی ایجاد نکرد؛ بلکه، چندین خرده وجدان جمعی را پدید آورد که همه آن‌ها در راستای یک هدف مشترک اما با راهکارهای گوناگون عمل کردند. به‌عنوان مثال، واحد نسل الف را اگر معیار بسیج مردمی در نظر بگیریم، وجدان جمعی آن‌ها حول محور ارزش‌های انقلابی شکل گرفت. این ارزش‌ها به‌طور کلی می‌توانند در هفت بُعد دسته‌بندی شوند که شامل آزادی، وحدت اسلامی، تکلیف‌گرایی، استقلال، پیوند دین و سیاست، استکبارستیزی و حمایت از محرومین و مستضعفین است (طالبان و عسکری، ۱۳۹۶: ۱۱۳). اما واحد نسل ب را اگر هنرمندان و افرادی که تولید محتوای مجازی می‌کنند در نظر بگیریم، وجدان جمعی آن‌ها معطوف به حفظ روحیه ملی و انتشار واقعیت‌ها بود. لکن همین تکثر در وجدان جمعی، باعث می‌شود جامعه در برابر حمله توانایی این را داشته باشد که از جوانب مختلف فکری، واکنش عملی نشان داده و در نتیجه تاب‌آوری بیشتری داشته باشد.

پس در مجموع می‌توان بیان کرد که وجدان جمعی در چنین مواقع حساسی به‌صورت ویژه فعال می‌شود و مرز بین «ما» و «آن‌ها» را پررنگ‌تر می‌کند. ممکن است مردم نسبت به دولت خود خشم داشته باشند اما در درجه اول، این خشم متوجه مهاجم خارجی است. این موضوع بر همبستگی اجتماعی مطرح شده توسط دورکیم منطبق است؛ چرا که همین احساسات مشترک در برابر تهدید وجودی است که می‌تواند یک کل واحد از کشور نمایان سازد. در بررسی که به روی هشتگ‌های پربازدید در دوران جنگ ۱۲ روزه در پلتفرم X انجام شد، مشخص گردید که این هشتگ‌ها حول سه مفهوم متمرکز شده است: «هشتگ ایران_پرویز، هشتگ جانم_فدای_ایران و هشتگ من_سمت_ایران». این هشتگ‌ها نشان‌دهنده وجدان جمعی جامعه در طول جنگ بودند که هدف واحدی همچون اتحاد حول پرچم و میهن را دنبال می‌کردند (نمودار شماره ۹).





نمودار ۹. مقایسه حمایت جوانان از ایران در فضای توئیتر

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

محتوای واکنش‌های چهره‌های برجسته هنری، ورزشی و ادبی در اینستاگرام نیز نشان می‌دهد این شخصیت‌ها که در جامعه دارای اثرگذاری اجتماعی هستند کوشیده‌اند اهمیت مام میهن و دفاع از آن را در ذهن مخاطب برجسته سازند. استفاده از ادبیات‌های حماسی همچون «ایران از پای نمی‌افتد، چون ققنوس از خاکستر برمی‌خیزد»، «مام میهن پاینده باد» و «وطن، چکیده بغض تو ز چشم‌های من، من خودم فدای تو» گویای وجدان جمعی بیدار ایرانیان است. آنان که می‌کوشند روایت مقاومت فرهنگی را زنده نگه دارند تا تاب‌آوری جامعه بیشتر گردد (نمودار شماره ۱۰). این امر نشان‌دهنده این است که ایرانیان آزادی و استقلال خود را با هیچ متاعی معاوضه نخواهند کرد و هیچ تجاویزی را تاب نمی‌آورند.

جدول ۲. واکنش چهره‌های شاخص فرهنگی - هنری در پلتفرم اینستاگرام

ردیف	نام	رشته	متن کلیدی پست / استوری
۱	پرویز پرستویی	بازیگر	«خداوند نگهدار ایران و مردمان مهربانش با به دنیا آرامش»
۲	همایون شجریان	خواننده	«بار الها: ایران زمین و مردمان پاکش را از گزند و آسیب حفظ بفرما»
۳	پریناز ایزدیار	بازیگر	«فقط می‌تونم بمیرم برات. # وطن # ایران»
۴	محسن چاوشی	خواننده	«لگد کردی لگد میشی - الا لعنه الله علی الظالمین»
۵	فربرز عرب‌نیا	بازیگر	«تنگ و نفرین بر کودک‌کشان جنایت‌پیشه!»
۶	علی زندوکیلی	خواننده	«وطن، چکیده بغض تو ز چشم‌های من، خودم فدای تو»
۷	علی دایی	اسطوره فوتبال	«مام میهن پاینده باش»
۸	محمدرضا شفیعی کدکنی	شاعر	«ایران از پای نمی‌افتد، چون ققنوس از خاکستر برمی‌خیزد»
۹	شهاب حسینی	بازیگر	«خدایا وطن زخم خورده ما را در پناه امن خود دار. آمین»
۱۰	حسن یزدانی	کشتی‌گیر	«ایران از پای در نمی‌آید»

منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان از خبرگزاری‌های مهر، عصر ایران و خبرآنلاین، ۱۴۰۴

۴-۲- دین و سنت

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد نظر دورکیم، این است که عامل تأثیرگذار بر همبستگی و انسجام در جوامع سنتی چه چیزی است؟ پاسخ دورکیم این است که جوامع با ساختار ساده و مکانیکی، به‌واسطه فرهنگ مشترکی که شالوده مذهبی دارد انسجام می‌یابند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۵۸). طبق نظر دورکیم، مردم در جوامع با انسجام مکانیکی، دارای سیستم باور قوی و یکنواختی هستند؛ به طوری که، نقض وجدان جمعی به‌عنوان نقض علیه کل جامعه تلقی می‌شود. چون مردم در این نوع جامعه بسیار شبیه به هم هستند و تمایل دارند به شدت به اخلاق مشترک اعتقاد داشته باشند، هر تخطی از سیستم ارزشی مشترک آن‌ها احتمالاً برای بیشتر افراد اهمیت خواهد داشت (Ritzer, 2008).

در ایران، ریشه‌های مذهبی و ایدئولوژیک جنگ با اسرائیل که به انقلاب اسلامی برمی‌گردد نقش محوری در تقویت انسجام اجتماعی ایرانیان ایفا می‌کند. دیدگاه جهانی ضداستکباری که امام خمینی (ره) و انقلابیون دهه ۵۰ داشتند، اسرائیل را نه تنها به‌عنوان یک پایگاه آمریکایی بلکه به‌عنوان اشغالگر سرزمین مسلمانان تعریف کرده بود. این چارچوب مذهبی-ایدئولوژیک در طول جنگ به‌عنوان یک عامل یکپارچه‌کننده عمل کرد و به ایرانیان این امکان را داد که درگیری را نه صرفاً در قالب یک جنگ ژئوپلیتیک، بلکه در چارچوب دفاع از ارزش‌های مذهبی و فرهنگی خود تفسیر کنند (Mahwar, 2025). پس می‌توان این گزاره را بیان کرد که ایران از بقای خود، سرمایه سیاسی به‌دست آورد؛ یعنی در داخل، رویکرد فراگیرتری نسبت به مردم، در آغوش گرفتن موضوع ملی‌گرایی و ایجاد وحدت هدف در مقاومت در برابر تجاوز خارجی در دستور کار قرار گرفت (IISS, 2025). در همین راستا، مسئولان ارشد نظام، برای حل اختلافات داخلی ایران خواستار «تفاهم متقابل» شدند. به‌صورت کلی و در شرایط عادی، جوانان در مناسک دینی پایبندی کمتری نسبت به بزرگسالان دارند ولی در باورهای اساسی دینی آن‌ها تفاوت چندانی نیست (معیدفر، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۸). اما قاعدتاً در شرایط بحرانی، پایبندی جوانان به آیین‌های مذهبی به‌عنوان یک عامل انسجام‌بخش بیشتر خواهد شد.

مطابق مفهوم واحد نسل مانهایم، نکته حائز اهمیت این است که جوانان به‌صورت یکپارچه به سنت‌های مذهبی روی آوردند؛ اما، آن‌ها از سنت‌های دینی و ملی تفسیرهای مختلفی برای تاب‌آوری ارائه دادند. به‌عنوان مثال، واحد نسل مذهبی-انقلابی، بر سنت شهادت و مقاومت تأکید ورزیدند، واحد نسل ملی-میهنی بیشتر بر اسطوره‌های ملی تکیه کردند و واحد نسل انسان‌گرا هم بیشتر مفاهیمی مثل صلح و دفاع از غیرنظامیان را برجسته ساختند. در طول جنگ ۱۲ روزه جوانان با حضور فعال در بسیج مردمی و مراسم یادبود شهدای دفاع مقدس، بصیرت خود را ارتقا دادند و با ابتکار عمل در کنار آحاد جامعه، تجربه‌های نسل‌های گذشته را بازتفسیر کردند. این رفتارهای مشاهده شده و بازتفسیرهای گفتمانی نشان می‌دهد که سنت و دین نه به‌عنوان یک ایدئولوژی صرف، بلکه به‌عنوان منبعی زنده و چندوجهی، جوانان را جذب کرده و نقش انسجام‌بخش در تاب‌آوری فرهنگی و اجتماعی آنان ایفا کرده است.

بنابراین مؤلفه دین، نقش مهمی در انسجام مردم در جنگ داشت و از درون ترکیب سنت‌های شیعی با ملی‌گرایی، رویکردی منسجم از کشور در اذهان عمومی جهانی به نمایش درآورد. در همین راستا، رهبری در سخنرانی پس از جنگ ۱۲ روزه با تأکید بر نقش مؤلفه دین در انسجام مردمی، بیان کردند: «آنچه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایت‌کار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالفند، با این ایمان گسترده مردم مخالفند، با این اتحاد در زیر سایه اسلام و قرآن مخالفند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۴).

۴-۳- شباهت‌های اجتماعی

همگونی ارزشی و فرهنگی در زمان وقوع بحران، پایه انسجام اجتماعی است که افراد را بدون نیاز به ساختارهای پیچیده به هم مرتبط می‌کند. اگر بحران به وقوع پیوسته، منشاء خارجی داشته باشد، این شباهت‌ها از طریق تجربه‌های مشترک بازسازی



می‌شوند. تجربه مشترک ایرانیان در مواجهه با حملات اسرائیل، باعث شد شباهت‌های اجتماعی عمیقی در جامعه نمایان شود. بیش از ۲۱ میلیون نفر (حدود یک‌چهارم جمعیت کشور) در طول دوره جنگ تحت تأثیر حملات بودند که باعث شد تجربه‌ای جمعی و مشترک از خطر و تهدید در آن‌ها ایجاد شود (Mahwar, 2025). این تجربه مشترک و مواجهه با تهدید، زمینه‌ای برای تقویت پیوندهای اجتماعی و همدردی متقابل فراهم آورد و باعث تقویت احساس همبستگی و یکپارچگی اجتماعی شد که نمود آن در واکنش‌های یکسان و ابراز آن‌ها از طریق راهپیمایی‌ها، پیام‌های همدلانه و ایجاد همبستگی میان‌نسلی قابل مشاهده بود. به‌عنوان مثال، مردم در روز ۲۰ ژوئن در تهران برای برگزاری راهپیمایی علیه اسرائیل گردهم آمدند و طی آن پرچم‌های اسرائیل و آمریکا را آتش زده، تصاویر رهبران شهید را نمایش داده و شعارهای ضداسرائیلی سر دادند (Reuters, 2025).

به اذعان بنیامین نتانیاهو، یکی از اهدافی که اسرائیل در این جنگ پیگیری می‌کرد تضعیف و نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. اما شرایط ایران مشابه شرایط سوریه بشار اسد، عراق صدام حسین یا لیبی معمر قذافی نیست. در سوریه و لیبی، رژیم‌های حاکم با گروه‌های مخالف مسلح داخلی که بعضاً تحت حمایت کشورهای خارجی هم بودند، ستیز داشتند. در مورد عراق، مخالفت‌ها سازمان‌یافتگی کمتری داشت اما تحت حمایت گسترده نیروهای خارجی بودند که نهایتاً بر دستگاه امنیتی صدام غلبه کردند. اما در ایران، علیرغم وجود اپوزیسیون‌های متعدد و حمایت علنی - غیرعلنی برخی مقامات سیاسی خارجی و کشورها از آن‌ها که در ابعاد مختلف همچون مادی و سیاسی وجود دارد هیچ مخالفت سازمان‌یافته و گسترده‌ای به منصفه ظهور نرسید. پس عملاً شرایط ایران، هیچ نزدیکی نسبت به شرایط سوریه، عراق و لیبی ندارد (IISS, 2025). این وضعیت باعث شد تا رژیم اسرائیل در ایجاد تجمعات احتمالی داخلی، ناکام باشد.

همچنین نقش جوانان، که حداقل به دلیل جوان و ایرانی بودن شباهت داشتند نیز در این ناکامی غیرقابل انکار است. نگرش جوانان در طول جنگ که مبتنی بر «حفظ میهن» بود مؤلفه ملی‌گرایی را تقویت کرد و باعث کمرنگ شدن مرزهای طبقاتی شد. اگرچه همه جوانان در موقعیت نسلی مشترکی بودند اما این شباهت‌های درونی آن‌ها درون واحدهای نسلی مختلف تبلور پیدا کرد؛ به‌عنوان نمونه، شباهت در واحد نسل مجازی، به اشتراک گذاشتن اطلاعات و بهره‌گیری از یک سواد دیجیتال بود. در واحد نسل محله‌محور، عواطف جمعی باعث ایجاد شباهت شد. مجموع این شباهت‌ها در عین تکثر، باعث تحقق بخشی به نوعی انسجام و همبستگی در جامعه می‌شود که با لایه‌های متعدد، استحکام بیشتری در مواجهه با بحران‌ها ایجاد می‌کند. یکی از مصداق‌های این امر در جنگ ۱۲ روزه، لحظه‌ای است که هنر و احساسات اجتماعی وارد میدان شدند تا نوعی انسجام ملی و میان‌نسلی را بازنمایی کنند. هنرمندان و به‌ویژه فعالان حوزه موسیقی، نقش برجسته‌ای در انتقال این پیام‌های همدلانه داشتند. انتشار آثار موسیقایی تازه، تولید نمادها و اجرای زنده در اماکن عمومی به‌عنوان تلاش برای تقویت روحیه جمعی و ایجاد آرامش در فضای ملتهب آن روزها قابل توصیف است. همچنین پیام‌های همدردی منتشرشده از سوی هنرمندان در شبکه‌های اجتماعی که همراه با ابراز ناراحتی از حملات و حمایت عاطفی از مردم بود، بخشی از بازتاب رسانه‌ای این همبستگی محسوب می‌شود (ایرنا، ۱۴۰۴).

۴-۴- ساختار اجتماعی ساده

جوامع با انسجام مکانیکی، ساختار ساده‌تری نسبت به جوامع مدرن دارند. در این جوامع تقسیم کار کمتر وجود دارد و مردم نقش‌های مشابهی ایفا می‌کنند. این جوامع پیچیدگی کمتری نسبت به جوامع مدرن دارند (Kretchmar, 2021). ساختار دفاعی و امنیتی ایران که به‌طور عمیق در دکرترین امنیتی کشور ریشه‌دار است، بازتاب ساختار اجتماعی نسبتاً ساده‌ای را نشان می‌دهد که حول محور بقای ملی سازماندهی شده است. برنامه موشکی که به‌عنوان ابزاری ضروری برای بازدارندگی و بقاء دیده می‌شود و شبکه شرکای منطقه‌ای که بخش جدایی‌ناپذیر از استراتژی دفاعی کشور محسوب می‌شود، نشان‌دهنده این است که

جامعه ایرانی حول اهداف مشخص و ساده‌ای مانند حفظ استقلال و امنیت ملی متشکل شده است. این ساختار ساده اما منسجم، امکان تحرک سریع و واکنش هماهنگ در برابر تهدیدات خارجی را فراهم می‌آورد (Mahwar, 2025).

در جنگ ۱۲ روزه، ساختار اجتماعی به سمت ساده‌سازی حرکت کرد و جوانان در قالب ساختارهای متکثری برای اهداف مشخصی فعالیت کردند. به‌عنوان مثال، واحد نسل سازمان‌یافته در قالب نهادهایی همچون بسیج و هلال احمر فعال شدند و واحدهای دیگری هم در قالب فعالیت‌های شبکه‌ای و محلی برای هماهنگی، کمک و انسجام هر چه بیشتر شکل گرفتند. این چندگانگی و وجود ساختارها و سازمان‌های مردم‌نهاد موازی باعث انعطاف‌پذیری بیشتر می‌شود که در صورت وقوع بحران و ایجاد فشار بر ساختار رسمی کشور، این ساختارهای غیررسمی می‌توانند کم‌کاری‌های به وجود آمده را تا حدودی جبران کنند. جدول شماره ۳ واکنش مردم در طول جنگ ۱۲ روزه را نشان می‌دهد. مطابق داده‌های این جدول هر چقدر از روزهای اول جنگ به طرف پایان آن حرکت نماییم روند انسجام ملی در ساختار ساده جامعه ایران بیشتر می‌گردد. به نحوی که اگر این انسجام ابتدا در بین هواداران نظام و مردم عادی بود سپس به اپوزیسیون داخلی و اپوزیسیون خارج‌نشین نیز کشیده شد.

جدول ۳. روند واکنش مردم به جنگ ۱۲ روزه

رویدادهای کلیدی	روزهای جنگ
آغاز جنگ؛ دشمن انتظار داشت جامعه دچار شوک و تشتت شود.	۲۳ خرداد- ۱۳ ژوئن
حملات ادامه دارد اما نشانه‌های مقاومت اجتماعی در ایران آشکار می‌شود.	۲۴ خرداد- ۱۴ ژوئن
مردم، آرام آرام به جای اضطراب، روحیه انسجام و همبستگی نشان می‌دهند.	۲۵ خرداد- ۱۵ ژوئن
با پاسخ‌های ایران، افکار عمومی در داخل کشور دچار تحول می‌شود و حس غرور و وحدت ملی تقویت می‌گردد.	۲۶ خرداد- ۱۶ ژوئن
انسجام اجتماعی گسترده‌تر می‌شود؛ جامعه با اعتمادبه‌نفس بیشتری در کنار حاکمیت می‌ایستد.	۲۷ خرداد- ۱۷ ژوئن
رسانه‌های منطقه و غرب اعتراف می‌کنند که ایران به جای فروپاشی، متحدتر شده است.	۲۸ خرداد- ۱۸ ژوئن
مراجع تقلید و علمای اسلام وارد میدان می‌شوند و بُعد فرهنگی- مذهبی جنگ تقویت می‌شود.	۲۹ خرداد- ۱۹ ژوئن
انسجام ملی ایران به‌صورت ملموس نمایان می‌شود؛ اما در طرف مقابل، جامعه اسرائیل دچار شکاف می‌گردد.	۳۰ خرداد- ۲۰ ژوئن
برخی از اپوزیسیون‌های خارج‌نشین نیز علیه حمله اسرائیل موضع می‌گیرند.	۳۱ خرداد- ۲۱ ژوئن
ایجاد وحدت بی‌سابقه در جبهه ایرانیان	
برجسته‌تر شدن حمایت داخلی و منطقه‌ای از ایران	۱ تیر- ۲۲ ژوئن
تقویت مشروعیت مقاومت ایران	
غربی‌ها اعتراف می‌کنند که انسجام داخلی ایران مانع تحقق اهداف جنگی شده است.	۲ تیر- ۲۳ ژوئن
پایان جنگ؛ با نتیجه نهایی تحکیم وحدت ملی و انسجام فرهنگی- اجتماعی ایران در برابر دشمن	۳ تیر- ۲۴ ژوئن

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۴

۴-۵- جمع‌گرایی

در جوامع با انسجام مکانیکی، افراد خود را بیشتر بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌بینند تا این‌که به‌عنوان افراد مستقل عمل کنند. نقش فرد در رابطه با گروه بزرگ‌تر، متفاوت است و فردگرایی کمتری وجود دارد و تجارب مشترک و باورها احساس همبستگی ایجاد می‌کنند (Kretchmar, 2021). هویت جمعی یک ملت دربردارنده ارزش‌ها و باورهای متقابل است که در روایت‌های مشترک آن‌ها نهفته است؛ یعنی در حافظه جمعی ساخته شده است و این اخلاق ملی است- که پایه‌های این هویت جمعی را از طریق حس این‌که وظیفه خاصی وجود دارد که ملت به‌عنوان یک موجودیت متحد موظف به انجام آن است- حفظ می‌کند (Cohen & Lewin, 2020: 603-604). بنابراین کاهش فردیت، اولویت جمع را بر فرد قرار می‌دهد و در بحران‌ها، فداکاری جمعی را ترویج می‌کند.



در طول دهه گذشته، پلتفرم‌های دیجیتال مانند رسانه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های پیام‌رسان به‌عنوان بازیگران حیاتی در مواقع بحرانی، به‌ویژه در موقعیت‌هایی که شامل مسائل اجتماعی، درگیری‌ها و جنگ‌ها می‌شود، ظهور کرده‌اند. افراد در محیط‌های آسیب‌دیده از این پلتفرم‌ها برای مستندسازی نقض حقوق بشر و جنایات، درخواست اقدام از جامعه بین‌المللی و درخواست کمک، یاری و حمایت استفاده کرده‌اند (Alexander, 2014). در جنگ ۱۲ روزه نیز در حالی که پناهگاه‌های متعارف دور از دسترس بودند و شبکه‌های ارتباطی تحت نظارت شدید قرار داشتند یا کاملاً مسدود شده بودند، نسل Z ایران-متولدین بین اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اواسط دهه ۲۰۱۰- در حال ایجاد پناهگاه‌های جدیدی در عرصه دیجیتال بودند و فضای مجازی به پناهگاهی امن برای آن‌ها تبدیل شد (Al Jazeera, 2025). آن‌ها با سرکوب فردگرایی خود، بقاء و منافع ملی را در اتحاد ملی دیدند و در همین راستا به تقویت این روحیه خصوصاً در فضای مجازی پرداختند. اما اتحاد آن‌ها در ارتباط با واحدهای نسلی گوناگون شکل گرفته بود؛ مثلاً از یک طرف عقیده واحد نسل X و Y جمع‌گرایی ایدئولوژیک مبتنی بر ایثار برای عقیده بود و از طرف دیگر تفکر واحد نسل Z جمع‌گرایی ارتباطی مبتنی بر ایجاد همبستگی از طریق اشتراک اطلاعات و گفتگو در فضای مجازی بود. واحدهای نسل‌های دیگری مثل جمع‌گرایی وظیفه‌محور هم وجود داشت که مبتنی بر احساس مسئولیت برای کمک به هموطنان بود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که تمام واحدهای نسلی فعال با وجود اختلاف در روش‌ها، در اصل هدف خود که انسجام‌بخشی به جامعه بوده است در یک مسیر قرار داشتند. البته این امر نشان می‌دهد که یک جامعه پویا تنها به یک انگیزه خاص برای جمع‌گرایی وابسته نیست. وقتی انگیزه‌های گوناگون ایدئولوژیک، انسانی و وظیفه‌گرایانه وجود دارد، احتمال تداوم روحیه جمع‌گرا در طول بحران افزایش پیدا می‌کند. همچنین این حملات، مانع ظهور شکاف‌های حیاتی در انسجام ایرانیان گردید. ایران انسجام ابزارهای کلیدی قدرت خود، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج را علیرغم شهادت فرماندهان آن حفظ کرد. این‌ها به ایران امکان داد تا در برابر تهدیدات داخلی از خود محافظت کند و یک کارزار ضدجاسوسی علیه اسرائیل راه‌اندازی کند (IISS, 2025).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از نظریه انسجام اجتماعی امیل دورکیم تاب‌آوری فرهنگی-اجتماعی ایرانیان در جنگ ۱۲ روزه با رژیم اسرائیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان دادند؛ اولاً، رویکرد جامعه ایران به جنگ ۱۲ روزه و عملکرد نظامیان در دفاع از میهن، مثبت بوده است. اکثریت پاسخ‌دهندگان در نظرسنجی‌ها ایران را پیروز این جنگ معرفی کردند و معتقد بودند اسرائیل خسارت بیشتری نسبت به ایران دریافت کرده است. آن‌ها خواستار این بودند که برنامه‌های موشکی ایران با قوت ادامه پیدا کند تا کشور در برابر تهاجم احتمالی بعدی قدرت دفاعی خود را حفظ نماید. آن‌ها جنگ را باعث اتحاد و همدلی بیشتر مردم دانستند و بر حفظ آن تأکید ورزیدند. این یافته‌ها نشان می‌دهد جامعه ایران و به‌طور خاص جوانان توانسته‌اند تاب‌آوری فرهنگی خود را تقویت نمایند.

برای توضیح این تاب‌آوری از نظریه دورکیم و دورهایم استفاده شد. دورکیم در زیرمجموعه انسجام اجتماعی، انسجام مکانیکی را مطرح می‌کند که پنج مؤلفه وجدان جمعی، دین و سنت، ساختار اجتماعی ساده، شباهت‌های اجتماعی و جمع-گرایی را در برمی‌گیرد. در مؤلفه وجدان جمعی استدلال شد که احساسات مشترک ملی‌گرایانه میان مردم که حول محور غرور و منافع ملی شکل گرفته بود، باعث شد تا انتقادات عمومی به حاشیه کشیده شوند و اسرائیل در استفاده از ظرفیت اعتراضات عمومی برای رسیدن به اهداف خود ناکام باشد. مؤلفه دین و سنت که نقش یک کاتالیزور را در ایجاد انسجام ملی داشت باعث شد تا ایرانیان با ترکیب ارزش‌های شیعی و ملی‌گرایی، این جنگ را نه صرفاً ژئوپلیتیکی بلکه در چارچوب دفاع از ارزش‌های مذهبی و فرهنگی خود تفسیر کنند و یک کل واحد از کشور نمایان سازند. جوانان که در شرایط عادی پایبندی

کمتری به مناسک دینی داشتند، با وجود تفاسیر مختلف نسلی، همگی در شرایط بحرانی برای حفظ ارزش‌ها و سنت‌های ملی تلاش ورزیدند. شباهت‌های اجتماعی به‌عنوان عنصر سوم، دربردارنده یک تجربه یکسان میان ایرانیان به دلیل حملات اسرائیل گردید که باعث شد هبستگی بین اقشار گوناگون تقویت گردد و جوانان با ویژگی‌های نسلی گوناگون، پیشرو در ایجاد اتحاد شوند. در عامل ساختار اجتماعی ساده نیز به این موضوع پرداخته شد که در این جنگ، گرچه ساختار اجتماعی به سمت سادگی حرکت کرد اما جوانان در گروه‌های نسلی متکثر، همگی اهداف مشخصی را پیگیری کردند که در رأس آن‌ها کمک‌رسانی به مردم در زمینه‌های مختلف بود. نهایتاً در مؤلفه جمع‌گرایی بررسی شد که چگونه ایرانیان با ترویج روحیه فداکاری و از خودگذشتی در میانه بحران از طریق کمک به هموعان و عبور از منافع فردی، به افزایش انسجام ملی و نهایتاً تاب‌آوری فرهنگی - اجتماعی کمک کردند.

تاب‌آوری جامعه ایرانی در جنگ ۱۲ روزه نه تنها به دلیل وجود مؤلفه‌های پنج‌گانه انسجام اجتماعی بلکه به‌طور خاص، مرهون شکل‌گیری واحدهای نسلی هم بود که مفهوم مرکزی آن توسط مانهایم مطرح شده است و به‌صورت متعدد و متنوع در درون هر یک از این پنج مؤلفه وجود داشت. این تکثر درونی در عین حال که یک هدف کلی خاص را پیگیری می‌کرد (حفظ انسجام ملی برای تاب‌آوری هر چه بیشتر) باعث شد انسجام به شکل انعطاف‌پذیری معنابخشی شود.



خبر آنلاین. (۱۴۰۴). شفیعی کدکنی: ایران از پای نمی‌افتد.

<https://www.khabaronline.ir/news/2078171>

خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۴). ساز همدلی که در روزهای حمله کوک شد: درخشش هنرمندان موسیقی.

<https://www.irna.ir/news/85873292>

خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۴). نبرد ۱۲ روزه؛ رستاخیز بصیرت‌افزایی جوانان ایران.

<https://www.irna.ir/news/85874898>

خبرگزاری مهر. (۱۴۰۴). واکنش هنرمندان به حملات ددمنشانه رژیم صهیونیستی.

<https://www.mehrnews.com/news/6497845>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۴۰۴). رمزگشایی از نقشه دشمن علیه «اتحاد مقدس». پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=61045>

داوری، ع. (۱۴۰۴). دیدگاه مردم درباره جنگ ۱۲ روزه. مرکز افکارسنجی ملت.

<https://mellat.mrc.ir/%D8%A7%D8%AE%D8%A8%D8%A7%D8%B1/ID/1042>

عصر ایران. (۱۴۰۴). واکنش شهاب حسینی به حمله اسرائیل (عکس).

<https://www.asriran.com/fa/news/1071433>

طالبان، م.؛ و عسکری، ا. (۱۳۹۶). نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب اسلامی: شکاف با تفاوت نسلی؟ فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۴(۱۲)، ۱۱۳-۱۳۷.

کرایب، ی. (۱۳۸۲). نظریه‌های اجتماعی کلاسیک (ش. مسمی پرست، مترجم). تهران: انتشارات آگه.

معدفر، س. (۱۳۸۳). شکاف نسلی با گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی، (۲۴)، ۵۵-۸۰.

روهنده، ع. (۱۴۰۴، ۴ مرداد). نگرش و دیدگاه مردم ایران درباره جنگ با اسرائیل. مرکز راهبردی فرهنگ و رسانه.

<https://namafar.ir/the-attitudes-and-views-of-the-iranian-people-regarding-war-with-israel/>

سیدمن، ا. (۱۳۸۸). کشمکش آراء در جامعه‌شناسی (ه. جلیلی، مترجم؛ چاپ دوم). تهران: انتشارات نی.

- Alexander, D. E. (2014). Social media in disaster risk reduction and crisis management. *Science and Engineering Ethics*, 20(3), 717-733.
<https://doi.org/10.1007/s11948-013-9502-z>
- Al Jazeera. (2025, June 18). Digital solidarity: How Iran's Gen Z is dealing with war online.
<https://www.aljazeera.com/news/2025/6/18/digital-solidarity-how-irans-gen-z-isdealingwithwaronline>
- Bagheri Dolatabadi, A. (2025). The June 2025 Israeli War: Iran's assessment and regional consequences. *Middle East Policy*, 1-20.
<https://doi.org/10.1111/mepo.70008>
- Berkes, F., & Ross, H. (2013). Community resilience: Toward an integrated approach. *Society & Natural Resources*, 26(1), 5-20.
<https://doi.org/10.1080/08941920.2012.737660>

- Cohen, R. A., & Lewin, E. (2020). The social component of resilience in the Islamic Republic of Iran: Utilizing wartime strategies to solve current problems. *Armed Forces & Society*, ۴۶(۴), ۵۹۵-۶۱۷.
<https://doi.org/10.1177/0090327X19830700>
- Durkheim, E. (1933). *The division of labor in society* (G. Simpson, Trans.). The Free Press. (Original work published 1893)
- Durkheim, E. (2005). *Suicide: A study in sociology*.
<https://donya-eeqtesad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4%2062/4192400>
- House of Commons Library. (2025, July 22). *Iran: Impacts of June 2025 Israel and US strikes and outlook* (Research Briefing No. 10292). UK Parliament.
<https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-10292>
- International Institute for Strategic Studies (IISS). (2025, July 16). *How 12 days have changed Iran?*.
<https://www.iiss.org/online-analysis/online-analysis/2025/07/how-12-days-have-changediran/>
- Jervis, R. (2010). *Why intelligence fails: Lessons from the Iranian Revolution and the Iraq War*. Cornell University Press.
- Katouzian, H. (۲۰۰۹). *The Persians: Ancient, mediaeval and modern Iran*. Yale University Press.
- Kretchmar, J. (2021). *Durkheim's mechanical and organic solidarity*. EBSCO Research Starters.
<https://www.ebsco.com/research-starters/sociology/durkheimsmechanicalandorganicsolidarity>
- Mahwar, A. (2025, July 4). *Q&A | Twelve days that shook the region: Inside the Iran-Israel war*. *Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED)*.
<https://acleddata.com/qa/qa-twelve-days-shook-region-inside-iran-israel-war>
- Mannheim, K. (۱۹۵۲). *The problem of generations*. In P. Kecskemeti (Ed.), *Essays on the sociology of knowledge* (pp. 276-322). Routledge. (Original work published 1927).
- Reuters. (2025). *Iran turns to internal crackdown in wake of 12-day war*. Retrieved September ۲۰, ۲۰۲۵, from.
<https://www.reuters.com/world/middle-east/iran-turns-internal-crackdown-wake-12-daywar202506-25/>
- Reuters. (2025, June 20). *Iranians in Tehran protest against Israel*.
<https://www.reuters.com/video/watch/idRW374920062025RP1/>
- Ritzer, G. (2008). *Sociological theory* (7th ed.). McGraw-Hill Higher Education.

